

السَّلَامُ عَلَى الْأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَآلِهِ الْأَوْفَاءِ وَالصَّحَابَةِ الْحَسَنَةِ

# حسین

اثرشناسی کلمات طیب و خبیث

در فرهنگ قرآنی

جلسه چهارم

جناب آقای محمدحسین رحیمی

 @almenhaj  
 @almenhajGroup  
 @almenhaj

گروه فرهنگی المنهاج

لکامنیکیا کجما  
جعلت شکرها

لکامنیکیا کجما

www.almenhaj.com(ir)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)



(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)

.....  
(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم،

یا به جهل کشیده شوم)

## السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ

وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا

مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ



جلسه اول گفتاری پیرامون  
(کلمات طیب و کلمات خبیث)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً  
كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ.  
تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ  
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.  
وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ  
فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ.

(آیات 24-26 / سوره ی مبارکه ی ابراهیم)



# آغاز کلام با (سخنی دربارهی کلمه)



(کلمه)

در ادبیات و در گفتگوهای عرفی

زمانی که شما لب به سخن باز می‌کنید،  
کلام شما در درون قالبهایی به نام **(جمله)**،  
به فضای بیرون صادر می‌شود.

---

به دور از دقتهای ادبی،  
در زبان فارسی و عربی،  
**(جمله)** گاهی با نام **(کلام)** نیز به کار می‌رود.



(جمله یا کلام) نیز،

از واحد کوچکتری به نام (کلمه) تشکیل می‌شود.

---

به عنوان مثال،

عبارت، (إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ) (جمله)،

و تک تک عبارتهای (إِنَّ / اللَّهُ / لَ / غَنِيٌّ / حَمِيدٌ)،

(کلمه) هستند.

در ادبیات عرب،  
گاهی از اوقات از (جمله یا کلام)،  
به (کلمه) تعبیر می‌شود.

---

قال ابن مالک،  
(و کَلِمَةٌ بِهَا كَلَامٌ قَدْ يُؤَمُّ)  
گاهی از (کلمه)، کلام قصد می‌شود.



قال الرضا عليه السلام:  
(كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي)

---

امام رضا عليه السلام در حدیث معروف سلسله  
الذهب به نقل از خداوند تعالی می‌فرماید:

---

(كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) پناهگاه امن من است.

در گفتگوهای عرفی نیز،  
گاهی از اوقات از **(جمله یا کلام)**،  
به **(کلمه)** تعبیر می‌شود.

---

مثلا به مخاطب می‌گوییم:  
یک **(کلمه)** با شما حرف دارم.



(کلمه)

در فرهنگ قرآن کریم

(کلمه) در فرهنگ قرآن کریم،  
علاوه بر معانی ذکر شده در ادبیات و عرف،  
در معنای وسیعتری به کار رفته است.

---

به برخی از کاربردهای (کلمه)،  
در آیات قرآن توجه فرمایید!



## شرح آیهی

(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)  
(إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

خداوند در داستان آدم،  
از کلماتی سخن می‌گوید که آدم،  
با گرفتن این کلمات و فهم عمیق آنها،  
به **(جایگاه توبه)** دسترسی پیدا کرد.

---

**(فَتَلَّقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)**

(سوره‌ی بقره / آیه‌ی 37)

---

**(تذکر):** (تَلَّقَى) به معنای گرفتن کلام و دریافت عمیق آن است.



یکبار دیگر به معنای (تَلَقَّى) توجه کنید!

---

(تَلَقَّى) به معنای:

(گرفتن کلام و دریافت عمیق آن است).

---

آنچه که موجب شده است آدم،

به (جایگاه توبه) دسترسی پیدا کند.

(گرفتن کلمات و دریافت عمیق آن است).



## (گرفتن کلمات و دریافت عمیق آن)

از جنس فهمیدن ذهنی یک موضوع نیست، بلکه از جنس **(تجربه و دریافت باطنی)** است.

-----  
(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)  
-----

**(کلماتی)** از جانب پروردگار به جان آدم سرازیر می‌شود؛  
آدم **(کلماتی)** را تجربه می‌کند و موجب می‌شود:  
به **(جایگاه توبه)** دسترسی پیدا کند.



به جایگاه کلمه‌ی **(رَبِّ)** توجه فرمایید!

**(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)**

**(رَبِّ)**، کسی است که از نقص به کمال هدایت می‌کند.  
آدم گرفتار است و راه را گم کرده است؛  
**(کلماتی)** از جانب **(رَبِّ)**، او را در می‌یابد؛  
این کلمات، موجب می‌شود آدم،  
به **(جایگاه توبه)** دسترسی پیدا کند.

(رَبِّ)، کسی است که:

از نقص به کمال هدایت می‌کند.

او این هدایت را با (کلمات) انجام می‌دهد.

---

به جایگاه فوق‌العاده‌ی (کلمات) توجه کنید!

---

(کلمات)

(واسطه‌ی ربوبیت حق تعالی هستند).



## (فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

آدم گرفتار است و راه را گم کرده است؛  
قدم اول در سیر آدم را حق تعالی بر می‌دارد؛  
این قدم،  
(کلماتی) از جانب (رب) است،  
که به آدم القاء می‌شود.

(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

---

آدم (کلماتی) را در جان خود می‌یابد؛  
حضور این کلمات در جان آدم،  
موجب می‌شود به (جایگاه توبه) دسترسی پیدا کند.



و قدم سوم را هم (رَبِّ)، برمی‌دارد:

(فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

فاعل در (فَتَابَ عَلَيْهِ)، (رَبِّ) است؛

و (توبه) بازگشت است.

پروردگار با بارشی از صفت رحیمیت،

به سوی آدم باز می‌گردد.

به جایگاه جمله‌ی (إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

توجه فرمایید!

جمله‌ی (إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

در جایگاه بیان علت برای (فَتَابَ عَلَيْهِ) است؛

پروردگار با بارشی از صفت رحیمیت،

به سوی آدم باز می‌گردد، و علت آن این است که:

(إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)



به جایگاه کلمه‌ی **(التَّوَابُ)** توجه فرمایید!

---

پروردگار **(تَوَّابٌ / بسیار روی آورنده)** است؛  
و با بارشی از صفت رحیمیت، به سوی آدم باز می‌گردد.

---

**(تَوَّابٌ)** به معنای **بسیار روی آورنده)**،

**(صیغهی مبالغه)** است.

**(صیغهی مبالغه)** در صفات الهی به این معنا است که:

او در کانون و مصدر این صفت است.

به جایگاه کلمه‌ی **(رحیم)** توجه فرمایید!

---

شاید پیدا کردن کلمه‌ی معادلی برای **(رحیم)**،  
ناممکن یا بسیار سخت باشد،  
اما زمانی که به استعمالات این اسم شریف خداوند توجه  
می‌کنیم درمی‌یابیم که:

---

هرجا که سخن از **(هدایت و به ثمر رساندن آن)** است،  
اسم **(رحیم)** حضور دارد.



بازگشت پروردگار به سوی آدم،  
فقط صرف یک بازگشتن تنها نیست،  
بلکه به همراهی با بارشی از صفت رحیمیت است.

نه تنها به آدم رو می‌کند بلکه به همراه خود،  
(هدایت و به ثمر نشستن آن) را به ارمغان می‌آورد.

(فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

## جمع بندی آیہی

(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)  
(إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)



## (فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ)

---

آدم گرفتار است و راه را گم کرده است؛  
(کلماتی) از جانب (ربِّ)، او را در می‌یابد؛  
آدم (کلماتی) را در جان خود می‌یابد؛  
حضور این کلمات در جان آدم موجب می‌شود:  
به (جایگاه توبه) دسترسی پیدا کند.

پروردگاری که:  
در کانون و مصدر صفت توبه است،  
با بارشی از رحمت، به سوی آدم باز می‌گردد،  
و علت آن این است که:

---

**إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ**



بازگشت پروردگار به سوی آدم،  
فقط صرف یک بازگشتن تنها نیست،  
بلکه به همراهی با بارشی از صفت رحیمیت است.

نه تنها به آدم رو می‌کند بلکه به همراه خود،  
(هدایت و به ثمر نشستن آن) را به ارمغان می‌آورد.

(فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

و (هدایت و به ثمر نشستن آن)،  
با (کلمات) صورت می‌پذیرد.



آیا به اهمیتِ جایگاهِ (کلمات)  
پی بردید؟

پایان جلسہ اول گفتاری پیرامون  
(کلمات طیب و کلمات خبیث)